

مطالعه کیفی بسترهای زمینه‌ساز طلاق

از دیدگاه نخبگان و افراد در آستانه طلاق

(مورد مطالعه شهر اهواز)

جعفر کرد زنگنه*

چکیده

با بررسی دیدگاه افراد در آستانه طلاق، مشاوران خانواده و قضات می‌توان به درک جامعی از بسترها و زمینه‌های تاثیرگذار بر طلاق دست پیدا کرد. در شهر اهواز نیز به دلیل پویایی فرهنگی و اجتماعی منحصر به فرد این شهر این احتمال می‌رود که زوجین تجارب متفاوتی را هنگام طلاق تجربه کنند. بر این اساس پژوهش حاضر با هدف مطالعه کیفی بسترهای زمینه‌ساز طلاق از دیدگاه نخبگان و افراد در آستانه طلاق در شهر اهواز با روش کیفی انجام شد. داده‌های پژوهش با استفاده از مصاحبه عمیق با ۲۰ مشارکت‌کننده جمع‌آوری و با استفاده از تحلیل موضوعی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند و پایایی پژوهش از طریق معیارهای ارزیابی داده‌های کیفی تأیید شد. بر اساس داده‌ها پژوهش مضامین اصلی شامل اشکال نوظهور طلاق، زمینه‌های قانونی و نهادی، زمینه‌های فرهنگی، ضعف زمینه‌های شناختی/مهارتی، مشکلات ساختاری جامعه، فضای مجازی و تشدید تعارضات خانوادگی و زمینه‌های تعاملی بین خانوادگی و مقولات فرعی از مصاحبه‌ها استخراج گردید. نتایج این پژوهش موارد جدیدی از طلاق را به دلیل مرزی بودن استان خوزستان و طلاق مصلحت‌اندیشانه را برجسته می‌کند که به دلیل موقعیت جغرافیایی استان خوزستان و تورم اقتصادی، به نوعی منحصر به فرد است. در نهایت اعمال مجازات برای اتباع خارجی که به طور غیرقانونی با زنان ایرانی ازدواج می‌کنند، آموزش مهارت‌های زندگی زناشویی، افزایش نظارت بر مشاوره‌ها به عنوان راهکارهای کاهش طلاق پیشنهاد می‌شوند.

واژگان کلیدی

طلاق، افراد در آستانه طلاق، مشاوران خانواده، قضات، اهواز

۱- بیان مسئله

خانواده یکی از نهادهای ضروری جوامع بشری است که ثبات، هویت و رفاه عاطفی را فراهم می‌کند (Damkier & Ozer, 2022). در این میان طلاق خانواده را به عنوان یک نهاد اجتماعی به چالش می‌کشد و بر عواطف، امور مالی و جنبه‌های اجتماعی خانواده تأثیر می‌گذارد (Khataybeh, 2022). در حالی که طلاق در سراسر جهان رایج است، دلایل آن برحسب فرهنگ‌ها و منطقه‌های مختلف متفاوت است (Khudhur, 2020). در میان کشورهای صنعتی ایالات متحده بالاترین نرخ طلاق را دارد و از هر دو ازدواج یک ازدواج به طلاق ختم می‌شود. کشورهای اروپایی میانگین نرخ طلاق ۴۰ درصدی دارند (Sheykhi, 2020). با این حال، نرخ طلاق در هر کشور به دلیل عوامل اجتماعی- فرهنگی و شرایط فردی می‌تواند به طور قابل توجهی متفاوت باشد.

در حالی که هنجارهای اجتماعی و آموزش در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه سهم اقتصادی زنان را افزایش داده است (Kandemir, 2022)، این تغییر منجر به افزایش محسوس نرخ جدایی و طلاق شده است. تحقیقات نشان می‌دهد که استقلال اقتصادی و اجتماعی زنان، پویایی قدرت در ازدواج‌ها را تغییر داده و منجر به افزایش نرخ طلاق شده است (Vignoli & et al, 2018). بنابراین سن، تحصیلات و شغل تنها عوامل مؤثر بر طلاق نیستند، بلکه عوامل دیگر از جمله مداخلات منفی خانواده‌ها می‌تواند بر میزان طلاق و پویایی درون خانواده تأثیر بگذارد (Rehim & et al, 2020). انتظارات معاصر از ازدواج برای برآوردن خواسته‌هایی مانند صمیمیت، شادی و خودشکوفایی نسبت به انتظارات معتدل‌تر و دقیق‌تر تعریف شده مرتبط با نقش‌های سنتی «شوهر نان‌آور» و «همسر خانه‌دار» ارزش بالایی قائل است و همین نکته ممکن است باعث تعارض بین زوجین گردد. چنین انتظاراتی، چه واقع‌بینانه و چه غیرواقعی، می‌توانند در طول زندگی زناشویی به شدت مورد آزمایش قرار گیرند و زندگی زوجین را با چالش مواجه کنند. زمانی که زوج‌ها با واقعیت‌هایی مانند مراقبت از فرزندان یا والدین مسن، مدیریت خواسته‌های کاری، پرداخت قبوض و انجام کارهای روزمره خانگی مواجه می‌شوند و وقتی این عوامل با برخی رویدادهای عادی‌تر مانند ناامنی شغلی، درآمد کم یا بیماری ترکیب می‌شود، می‌تواند فشار بیشتری بر ازدواج ایجاد کند (Vignoli & et al, 2018). آریف و گیل نشان دادند که تحصیلات، ازدواج‌های ترتیب داده شده، تحصیلات و درآمد شوهر، سوءمصرف مواد و سن ازدواج از جمله عوامل حیاتی اثرگذار در میزان طلاق زنان پاکستانی هستند (Arif & Gill, 2023).

هریس و همکاران، برای درک پیچیدگی‌های جدایی یا طلاق به مطالعه فرآیند تصمیم‌گیری برای طلاق با استفاده از نظریه زمینه‌ای پرداختند. نتایج این مطالعه نشان داد که هویت افراد در چارچوب ازدواج تأثیر عمیقی بر نحوه تصمیم‌گیری آنها دارد. برای برخی، طلاق ممکن است احساس شکست و از دست دادن را به همراه داشته باشد، در حالی که برای برخی دیگر، فرصتی برای پیشرفت شخصی باشد (Harris & et al, 2022).

در سال‌های اخیر علاقه به درک و شناخت علل طلاق افزایش یافته است. نتایج مطالعه دوهرتی و همکاران در ایران نشان داد که طلاق به سه روش می‌تواند اتفاق بیافتد: طلاق از طریق شوهر، طلاق متقابل و طلاق یک‌طرفه (Doherty & et al. 2020). طلاق متقابل و توافقی در مناطق شهری رایج‌تر است و طلاق یک‌طرفه در شرایطی مانند اعتیاد، خشونت یا زندانی شدن شوهر انجام می‌شود. شایان ذکر است دلایل طرح شده، در مطالعات متعددی (دشت بزرگی و همکاران، ۱۳۹۶؛ افراسیابی و دهقانی دارمرد، ۱۳۹۶) مورد بررسی قرار گرفته است، که با توجه به تنوع روش‌های مورد استفاده، خلاصه کردن این نتایج کار دشواری است.

۱۲۷

در سال‌های اخیر در جوامعی مانند ایران که موانع مذهبی برای طلاق قابل توجه است نیز، نرخ طلاق از اواسط دهه ۱۹۹۰ به سرعت افزایش یافته است (Sadeghi & Agadjanian, 2019). در این میان در شهر اهواز، نرخ طلاق از ۱۹ به ۳۰ مورد در هر ۱۰۰ ازدواج از سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۲ افزایش یافته است که نشان دهنده تغییر قابل توجهی در پویایی زناشویی ناشی از شهرنشینی، نوسازی و توانمندسازی زنان است. در همین سال، استان خوزستان ۱۰۲۴۸ مورد طلاق را به ثبت رساند که مناطق شهری ۹۶۹۳ مورد را به خود اختصاص داده‌اند (کرد زنگنه و قاسمی اردهایی، ۱۳۹۲). این در حالی است که ازدواج و بچه‌دار شدن همیشه در استان خوزستان از اهمیت بالایی برخوردار بوده است و فرزنددار شدن یکی از مهم‌ترین اهداف ازدواج در عشایر ساکن استان خوزستان است. از سوی دیگر از آنجا که شهر اهواز عمدتاً سنتی است، آثار طلاق می‌تواند در این شهر بارزتر و زیان‌بارتر باشد.

لذا سؤال اصلی پژوهش حاضر با هدف شناسایی دلایل طلاق با تمرکز بر تجربیات و دیدگاه‌های افراد در آستانه طلاق، قضاوت و مشاوران در این بستر اجتماعی- فرهنگی این است که با وجود مقررات سخت‌گیرانه و شرایط اجتماعی چالش‌برانگیز در شهر اهواز، چرا افراد این شهر بیش از پیش به دنبال طلاق هستند؟

۲- پیشینه پژوهش

بر اساس نتایج مطالعه‌ای در جامعه امارات متحده عربی مداخله منفی خانوادگی عامل مهمی در بروز طلاق است و عواملی نظیر سن، سطح تحصیلات و شغل عامل اصلی طلاق نیستند (Rehim and et al, 2020). نتایج مطالعه قریشی و همکاران نشان داد که اختلالات رفتاری، نهادها و ارزش‌های جدید، حمایت نهادی، عدم شناخت قبل از ازدواج ضعف اقتصادی و تفاوت‌های فرهنگی - طبقاتی زوجین مهم‌ترین عوامل مؤثر بر طلاق از دیدگاه زوجین بوده است (قریشی و همکاران، ۱۳۹۳). در مطالعه قاسمی و ساروخانی، آشنایی قبل از ازدواج و دوران نامزدی در بین متقاضیان طلاق خیلی کم بوده است و در میان مردان متقاضی طلاق توافقی ۱۸/۷ درصد دارای سابقه مصرف مواد مخدر بوده‌اند. از بیشترین عوامل طلاق زوجین متقاضی طلاق توافقی در این مطالعه می‌توان به ترتیب به دخالت اطرافیان، ضرب و شتم، دروغ‌گویی، سوءظن و بدبینی، اعتیاد، بی‌توجهی، تنفر و علاقه نداشتن و خیانت اشاره کرد (قاسمی و ساروخانی، ۱۳۹۲). قلی‌زاده و همکاران چهار زیر مجموعه عدم پایبندی به ارزش‌های مذهبی و اخلاقی، عدم پایبندی به ارزش‌های اجتماعی، ناهنجاری‌های فرد و خانواده و تفاوت در خرده‌فرهنگ‌ها را به عنوان عوامل فرهنگی زمینه‌ساز طلاق معرفی کردند (قلی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴). فولادیان و شجاعی قلعه‌نی در مطالعه خود ۶ مدل فرایند طلاق را از یکدیگر تمییز دادند. که یک یا چند تا از آنها می‌توانند در یک خانواده وجود داشته باشند. این مدل‌ها عبارت‌اند از: مدل ازدواج ناهمسان، مدل ازدواج اجباری، مدل ازدواج نابالغ، مدل خانواده کم برخوردار و مدل خانواده ناسالم؛ که در بعضی از خانواده تنها یک مدل فرایندی و در برخی دیگر دو یا چند مدل به صورت هم‌زمان مشاهده شد (فولادیان و شجاعی قلعه‌نی، ۱۳۹۹). هنریان و یونسی در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که بیشترین تعداد متقاضیان طلاق دارای سن بین ۲۰ تا ۳۰، در پنج سال اول زندگی زناشویی و دارای تحصیلات دیپلم بودند. همچنین عامل عدم مهارت‌های ارتباطی نسبت به سایر علل طلاق از رتبه بالاتری برخوردار بود (هنریان و یونسی، ۱۳۹۰). نتیجه مطالعه فیروزجائیان و همکاران نیز نشان داد که عواملی همچون مداخله اقوام و اطرافیان، اعتیاد، تفاوت ارزش‌ها و عدم تفاهم (میان عوامل اجتماعی) و عواملی مانند بیکاری و مشکل امرار معاش (در میان عوامل اقتصادی) بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند (فیروزجائیان و همکاران، ۱۳۹۷).

مجموع این مطالعات اگر چه به بررسی علل طلاق در زمینه‌های مختلف توجه کرده‌اند لیکن اکثر این مطالعات علل طلاق را فقط از نظر افراد جدا شده و مطلقه بررسی کرده‌اند؛ ولی در این مطالعه علل طلاق و بسترهای شکل‌گیری آن هم از نظر زوجین در آستانه طلاق و هم از نظر قضات و کارشناسان مراکز مشاوره مورد بررسی قرار گرفته است.

۳- چارچوب مفهومی

برای ارائه یک چارچوب مفهومی در زمینه مطالعه کیفی بسترهای زمینه‌ساز طلاق، می‌توان از مدل‌های مختلفی استفاده کرد که ترکیبی از عوامل فردی، اجتماعی، فرهنگی و ساختاری را در نظر می‌گیرند. از جمله این عوامل می‌توان به عوامل اجتماعی- فرهنگی شامل تاثیرات هنجارها و باورهای اجتماعی، مثل انتظارات از نقش‌های جنسیتی و فرهنگ ازدواج در جامعه، بر تصمیم‌گیری افراد برای طلاق؛ عوامل روانشناختی- شخصی شامل بررسی وضعیت روانی، عاطفی و فردی افراد در آستانه طلاق، مانند احساسات تنهایی، استرس و فشارهای روانی؛ عوامل اقتصادی- مالی شامل، تأثیر مشکلات مالی و اقتصادی در تصمیم‌گیری برای طلاق، و همچنین مسائل مربوط به استقلال مالی و توانایی اقتصادی برای ادامه زندگی پس از طلاق؛ قوانین و سیاست‌ها شامل تحلیل قوانین و سیاست‌های حقوقی مرتبط با ازدواج و طلاق، و تأثیر آن‌ها بر تصمیم‌گیری افراد؛ عوامل خانوادگی، شامل تأثیر روابط خانوادگی، نوع و میزان حمایت از سوی خانواده‌ها، و نقش کودکان در تصمیم‌گیری برای طلاق؛ و عوامل مذهبی و اعتقادی شامل نقش باورها و اعتقادات مذهبی در فرایند تصمیم‌گیری برای طلاق، از جمله موانع مذهبی و تاثیرات جامعه مذهبی بر فرد اشاره کرد (Amato 2000, Bradbury & Karney 2010, Williams & Umberson, 2004).

بر اساس نظریه وابستگی زناشویی ارائه شده توسط لی‌وینگر (۱۹۶۵)، مانند افراد در رابطه زناشویی یا ترک آن بر اساس میزان وابستگی زناشویی است که این افراد به رابطه دارند. عواملی مانند تعهد به خانواده، فشارهای اجتماعی و ترس از تنهایی می‌توانند باعث وابستگی بیشتر شوند و تصمیم‌گیری برای طلاق را سخت‌تر کنند. اما وقتی وابستگی کاهش می‌یابد (مثلاً به دلیل افزایش استقلال مالی یا کاهش فشار اجتماعی)، احتمال طلاق افزایش می‌یابد.

نظریه مبادله اجتماعی یک نظریه جامعه‌شناختی و روان‌شناختی است که رفتار اجتماعی را در تعامل دو طرف مورد بررسی قرار می‌دهد. بر اساس این نظریه، هرگونه ارتباط با دیگران در حکم نوعی مبادله است. این نظریه سعی دارد نشان دهد رفتار بر حسب پاداش‌هایی که دریافت می‌شود و هزینه‌ای که به همراه می‌آورد، تغییر می‌یابد. رفتارهای مورد نظر در اینجا رفتارهایی هستند که بین دو شخص تعامل ایجاد می‌کنند و هر دو نفر پاداش‌ها و هزینه‌های ناشی از تبادل را محاسبه می‌کنند. طبق اصل عدالت، تعامل زمانی حفظ می‌شود که رابطه پاداش‌ها و هزینه‌های طرفین برابر باشد. در واقع، فرد آنچه را که برای یک رابطه هزینه می‌کند و آنچه را که از آن به دست می‌آورد با یکدیگر مقایسه می‌کند. سپس نتیجه را با آنچه از نظر او طرف مقابل به

دست می‌آورد مقایسه می‌کند. پس اگر احساس نابرابری کند احتمالاً این رابطه با خطر مواجه خواهد شد. هرچه پاداش‌هایی که یکی از زوجین از زوج دیگر دریافت می‌کند از پاداش‌هایی که پرداخت می‌کند کمتر باشد (به‌طور واقعی یا خیالی) و یا هزینه‌های پرداختی یکی از زوجین به زوج دیگر یا حتی کل خانواده بیشتر از حد واقعی یا مورد انتظار باشد، حالت زیان‌دیدگی به فرد دست می‌دهد. در این وضعیت او خود را در مقام یک فرد زیان‌دیده می‌بیند که پایان دادن به رابطه زناشویی به عنوان یکی از راه‌حل‌های اساسی برای دستیابی به پاداش یا حداقل فرار از پرداخت هزینه‌های بیشتر برایش ارزشمند می‌گردد (فاتحی دهقانی و نظری، ۱۳۹۰: ۲۴).

نظریه‌ی بحران، به تأثیر بحران‌ها و رویدادهای استرس‌زا بر روابط زناشویی می‌پردازد. بحران‌ها می‌توانند از منابع مختلفی مثل بیکاری، بیماری، مشکلات مالی یا خیانت نشأت بگیرند و باعث تنش و تعارضات زناشویی شوند. اگر زوجین قادر به مدیریت این بحران‌ها نباشند، ممکن است به سمت طلاق حرکت کنند (Hill, 1949). دلایل و پیامدهای طلاق از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است. به‌طور مثال در جامعه ایران، زنان زمانی که احساس کنند جایگاهشان در روابط زناشویی تمام شده است، طلاق را انتخاب می‌کنند. چنین زنانی از منظر جامعه محترم شمرده شده و همچنین از حمایت مالی برخوردار می‌شوند (Arab Khorasani & Ghiasvand, 2018).

۴- روش پژوهش

در این پژوهش از روش کیفی و تحلیل موضوعی برای بررسی تجربیات و دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان استفاده شد. تجزیه و تحلیل موضوعی روشی برای تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی و یکی از خوشه‌های روش‌هایی است که بر شناسایی الگوی معنایی در یک مجموعه داده تمرکز دارد. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش از طریق نمونه‌گیری هدفمند، انتخاب شدند. افرادی که از به اشتراک گذاشتن اطلاعات شخصی خودداری کردند یا کسانی که به شهرهای دیگر نقل مکان کردند نیز از مطالعه حذف شدند. داده‌های این پژوهش از طریق مصاحبه‌های عمیق در شعب مختلف دادگاه خانواده شهر اهواز و همچنین مراکز مشاوره جمع‌آوری شده است. سه محقق با تجربه به عنوان مصاحبه‌کننده برای این مطالعه انتخاب شدند. مصاحبه‌ها با سؤالات کلی شروع شد: روند طلاق شما چگونه پیش رفت؟ آیا شما معتقدید که هیچ شانس برای احیا زندگی مشترک وجود ندارد؟ آیا زمانی که تصمیم به طلاق گرفتید به دنبال مشاوره بودید؟ مصاحبه‌ها بر روند طلاق، دلایل درخواست طلاق و بینش‌های به دست آمده از این تجربه متمرکز بود. مدت زمان

مصاحبه بین مشارکت‌کنندگان در آستانه طلاق، مشاوران و قضات متفاوت بود. این زمان برای مشارکت‌کنندگان در آستانه طلاق و قضات ۴۵ دقیقه و برای مشاوران ۷۰ دقیقه طول کشید. محققین در فرایند انجام مصاحبه‌ها عبارات را به دقت ضبط و رونویسی کردند، الگوها و مضامین را شناسایی کرده تا بتوانند درک جامعی از داده‌ها را ارائه کنند. مصاحبه‌ها تا رسیدن به اشباع داده‌ها، ادامه داشت؛ که در نهایت به انجام ۲۰ مصاحبه با مشارکت‌کنندگان منجر شد. برای شناسایی مفاهیم کلیدی متن مصاحبه‌ها به طور کامل بازبینی و کدگذاری و در راستای حاصل شدن اطمینان از اعتبار و صحت داده‌ها، نوشته‌ها، کدها و دسته‌ها با استفاده از تکنیک‌های ممیزی و تحلیل موضوعی شناسایی و تأیید شد. این روش نه تنها الگوها و مضامین را شناسایی می‌کند، بلکه بینش‌هایی را درباره معانی و تفاسیر مجموعه داده‌ها و یافته‌های ساختاری برای گزارش‌دهی دقیق نیز ارائه می‌دهد. در نهایت آن که مشارکت مستمر محقق در زمینه پژوهش و همچنین تأیید مفاهیم و مقوله‌ها استخراج شده از متن مصاحبه توسط سه شرکت‌کننده نه تنها اطلاعات قابل تأیید را تضمین، بلکه به یافته‌ها اعتبار بخشیده و پایایی مطالعه را افزایش می‌دهد.

۵- یافته‌های پژوهش

مشارکت‌کنندگان در این پژوهش را ۲۰ نفر با پیشینه‌ها و گروه‌های سنی مختلف که با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند، تشکیل می‌دهند، که مشخصات افراد در آستانه طلاق در جدول شماره ۱ آمده است. بر اساس ویژگی‌های به دست آمده اکثریت زنان مشارکت‌کننده در این تحقیق دارای تحصیلات ابتدایی یا متوسطه، دارای فرزند و از قوم عرب بودند.

جدول ۱. ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان در پژوهش

نسب فامیلی	سابقه حلاق در خانواده	شغل همسر	شغل	تحصیلات همسر	تحصیلات	سن ازدواج	تعداد فرزند	طول زندگی مشترک	سن همسر	سن	جنس	ردیف
ندارد	ندارد	تعمیرات کولر	خانه‌دار	سوم راهنمایی	متوسطه	۱۷	۰	۴	۳۱	۲۲	زن	۱
در جردو	خود فرد	پیملکار	خانه‌دار	خواندن و نوشتن	سوم راهنمایی	۳۹	۰	۹	۷۳	۴۸	زن	۲
ندارد	ندارد	کارمند	خانه‌دار	دیپلم	لیسانس	۳۰	۰	یک سال عقد	۳۴	۳۱	زن	۳
درجه یک	ندارد	خانه‌دار	نازویی و...	سوم راهنمایی	دیپلم	۱۶	۱	۲	۲۲	۱۸	مرد	۴
همسایه	ندارد	تاکسی تلفنی	خانه‌دار	راهنمایی	پنجم ابتدایی	۲۲	۱	۱۸	۵۰	۴۰	زن	۵
ندارد	دارد	بیکار	سرایدار مدرسه	راهنمایی	دوم راهنمایی	۲۴	۲	۱۴	۴۹	۳۸	زن	۶
ندارد	ندارد	خانه‌دار	مغازه‌دار	دبیرستانی	سوم راهنمایی	۲۴	۲	۱۶	۳۱	۴۰	مرد	۷
درجه یک	ندارد	بیکار	پرستار	کاروانی	لیسانس	۲۰	۲	۱۸	۴۲	۳۸	زن	۸
ندارد	ندارد	کارمند	خانه‌دار	دانشگاهی	دیپلم	۲۱	۳	۱۴	۴۱	۳۶	زن	۹
ندارد	خود فرد	بیکار	خانه‌دار	بی‌سواد	پنجم ابتدایی	۲۲	۰	یک سال عقد	۳۰	۲۲	زن	۱۰
ندارد	ندارد	کارمند	کار آفرین	دکتر	لیسانس	۳۰	۰	۵	۶۳	۳۵	زن	۱۱
ندارد	ندارد	نمناقص	بیکار	دیپلم	لیسانس	۲۵	۰	۱۰ ماه	۵۰	۲۶	زن	۱۲
همسایه	ندارد	کارمند	خانه‌دار	دیپلم	دیپلم	۲۲	۲	۱۲	۳۷	۳۴	زن	۱۳

بر اساس تجزیه و تحلیل کیفی مصاحبه‌های عمیق انجام‌شده، مضامین و مفاهیم استخراج شده، شناسایی ابعاد آشکار و پنهان واقعه طلاق در شهر اهواز را فراهم می‌سازد. شایان ذکر است که برخی از این بسترهای زمینه‌ساز واقعه طلاق خاص شهر اهواز است که به فرهنگ، سنت‌های ازدواج، جغرافیای استان خوزستان، سبک زندگی متفاوت آنان برمی‌گردد. مضامین استخراج شده از مصاحبه‌های انجام شده در جدول شماره ۲ ارائه گردیده است.

جدول ۲: مفاهیم و مقولات استخراج شده بسترهای زمینه‌ساز واقعه طلاق در شهر اهواز

مقولات اصلی	مقولات فرعی	مفاهیم اولیه
اشکال نوظهور طلاق	طلاق مصلحت‌اندیشانه برای خانواده	طلاق برای مستمری (طلاق صوری)، طلاق برای معافیت سربازی، طلاق‌های خاکستری
	طلاق ناشی از حیات مرزنشینی	طلاق ناشی از ازدواج با عراقی‌ها
زمینه‌های قانونی و نهادی	پتانسیل‌های قانونی	قانون و کالت طلاق، قانون حکم رشد، مهریه‌های نامتعارف، مجوز دادگاه، وام ازدواج، اصرار بر گرفتن نفقه/مهریه
	عملکرد ضعیف نهادهای حامی خانواده	عملکرد ضعیف شوراهای حل اختلاف، عملکرد ضعیف مراکز مشاوره، مشاوره‌های ناکافی
	پتانسیل‌های نهادی	ثبت پس از ازدواج، ازدواج‌های غیرقانونی، عدم ثبت ازدواج، طلاق توافقی
زمینه‌های فرهنگی طلاق	فرهنگ پرهیز از مشاوره	بی میلی به مشاوره، عدم بیان مشکلات با مشاور
	تقدس ازدواج در فرهنگ عمومی خوزستان	ازدواج اجباری، ازدواج فامیلی، ازدواج زودهنگام، ازدواج مجدد/ چند زنی، تأکید زیاد بر ازدواج، تفاوت سنی زوجین
	خواسته‌های اجتماعی و اقتصادی زنان	استقلال مالی زنان، میل زنان به آزادی‌های اجتماعی
	خشونت بین اعضای خانواده	خشونت و آزار جسمانی، خشونت و آزار کلامی، خشونت عاطفی
زمینه‌های اقتصادی طلاق	ضعف اقتصادی درون خانواده/کلان	عدم استقلال مالی مرد پس از ازدواج، کمبود امکانات خانواده و ضعف درآمدی، بیکاری، تورم اقتصادی، ندادن خرجی

مقولات اصلی	مقولات فرعی	مفاهیم اولیه
مشکلات ساختاری جامعه	آسیب‌های اجتماعی درون خانواده	شیوع اعتیاد در میان مردان، بی‌تعهدی به خانواده، مسئولیت‌گریزی از خانواده
زمینه‌های تعاملی بین خانوادگی	تداخل سکونتی	اسکان مشترک با خانواده پدری، روابط سنتی خانوادگی
	مداخله در زندگی خانوادگی	تعارضات بین خانوادگی، وابستگی فراوان زن / مرد به خانواده پدری، اولویت‌دهی به خانواده پدری
ضعف زمینه‌های شناختی / مهارتی	ضعف در شناخت شرایط	عدم آگاهی از شرایط زندگی مشترک، عدم شناخت طرف مقابل، بی‌اطلاعی از معیارهای اصیل ازدواج، دروغ و عدم صداقت، ناتوانی در کنترل خشم، ضعف ارتباط بین فردی، ناتوانی در ابراز محبت، ناتوانی در ابراز انتظارات
	ضعف مهارت‌های زندگی	
فضای مجازی و تشدید تعارضات خانوادگی	بستر سازی منفی فضای مجازی برای وقوع طلاق	عدم کنترل خانواده بر فضای مجازی، شیوع خیانت برخاسته از فضای مجازی، فضای مجازی و افزایش انتظارات

۵-۱- اشکال نوظهور طلاق

تحلیل یافته‌ها نشان داد که اشکال جدیدی از طلاق با عللی متفاوت از علل متعارف که حاصل حیات مرزی استان خوزستان و همجوار بودن آن با کشور عراق و یا حاصل مصلحت‌اندیشی‌های زوجین برای خود و فرزندانشان است در شهر اهواز به وقوع می‌پیوندد.

۵-۱-۱- طلاق مصلحت‌اندیشانه برای خانواده

یکی از انواع این نوع طلاق، طلاق صوری یا غیر واقعی است. در این مورد شخص، قصد لازم برای ایجاد آثار قانونی مترتب بر طلاق را ندارد و صرفاً به دلیل منافع شخصی خود، اقدام به طلاق می‌کند. یعنی از نظر فرد طلاق راه مناسبی برای رسیدن به هدف مورد نظرش است. این مقوله شامل سه زیر مقوله جداگانه شامل: طلاق برای گرفتن مستمری، طلاق برای معافیت فرزند از سربازی، طلاق خاکستری است.

یک نفر از مشارکت‌کنندگان خانم که خواهرش نیز برای طلاق به دادگاه مراجعه کرده بود در این باره می‌گوید:

«چند وقت هست که پدرمان را از دست دادیم و چون ایشان کارمند شرکت نفت بود و از حقوق و مزایای بالایی برخوردار بود ما درخواست طلاق دادیم با هماهنگی همسرمان تا بتونیم بعد از طلاق گرفتن از حقوق و مزایای پدرمون استفاده کنیم و به صورت توافقی زندگی مشترکمون رو با همسرمون ادامه بدیم (اشاره به صیغه ۹۹ ساله)».

در همین مورد مشارکت‌کننده دیگری که برای طلاق توافقی مراجعه کرده بود، می‌گوید:

«نشستیم با خودمون فکر کردیم که ما همین یه پسر را داریم و می‌تونیم با طلاق گرفتن معافیتش رو بگیریم و از خدمت سربازی معافش کنیم».

طلاق خاکستری نیز نوع دیگری از طلاق نوظهور بود که در تحلیل یافته‌های مشارکت‌کنندگان به آن اشاره شد و شاید برخاسته از وضعیت جسمانی زن و شوهر باشد که موهای آنان رو به سفیدی می‌نهد. این نوع از طلاق معمولاً در سنین بالا اتفاق می‌افتد. در سنینی که هر دو پا به سن گذاشته‌اند. در این باره یکی از مشارکت‌کنندگان که خانم میان‌سالی بود، می‌گوید:

«من واقعاً صبوری و از خودگذشتگی کردم به خاطر سه تا بچم، اوایل خیلی تلاش کردم که با همسر صحت کنم و به زندگی ادامه بدیم اما دیدم فایده ندار، به همین خاطر صبر کردم تا بچه‌هام بزرگ‌تر بشن و خوب و بد رو تشخیص بدن، الان دیگه به این نتیجه رسیدم که از شوهرم جدا بشم».

۵-۱-۲- طلاق ناشی از حیات مرزنشینی

این نوع طلاق حاصل جغرافیای استان خوزستان است. جغرافیایی که طبق آن این استان با کشور عراق هم‌مرز هست. در سال‌های اخیر با توجه به ترکیب زبانی این استان که اکثراً عرب هستند و با عرب‌های عراق هم‌زبان هستند این نوع ازدواج بیشتر شده است. در بسیاری موارد این ازدواج‌ها حتی ثبت رسمی نمی‌شوند. سپس به دلایل مختلف به طلاق منجر می‌شود. در همین مورد یکی از قاضی‌های مشارکت‌کننده بیان داشت که:

«بسیاری از مواردی که برای طلاق مراجعه می‌کنند زنانی هستند که ایرانی هستند و شوهرشان عراقیست. اکثر این موارد ازدواج عادی دارند چون شوهرشان عراقی است و نیاز به مجوز وزارت کشور دارند به همین خاطر اول ازدواج می‌کنند بعد پیگیر مجوز می‌شوند و خیلی از موارد هنوز به مجوز نرسیده شوهر عراقی خانواده را ترک می‌کند و به عراق برمی‌گردد».

۲-۵- زمینه‌های قانونی و نهادی طلاق

منظور از زمینه‌های قانونی و نهادی طلاق آن دسته از بسترها و پتانسیل‌هایی است که در قانون خانواده و نهادهای مختلف دولتی از جمله نهادهای ثبتی وجود دارد. این مضمون همچنین اشاره‌ای به عملکردهای نهادی در رابطه با طلاق دارد. این زمینه‌ها در سه مقوله‌ی پتانسیل‌های قانونی برای تسهیل طلاق، پتانسیل‌های نهادی، عملکرد ضعیف نهادهای حامی خانواده دسته‌بندی شده‌اند.

۱-۲-۵- پتانسیل‌های قانونی تسهیل‌کننده

منظور آن دسته از قابلیت‌هایی است که در خود قانون برای طلاق وجود دارد. قابلیت‌هایی که زمینه را برای وقوع طلاق آسان‌تر نموده و در کنار آن می‌توانند به نوعی به افزایش آن هم کمک کنند. قابلیت‌های مذکور را می‌توان در شش نوع تقسیم‌بندی کرد: قانون وکالت طلاق، قانون حکم رشد، مجوز دادگاه، مهریه‌های نامتعارف، وام ازدواج، اصرار بر گرفتن مهریه/نفقه. در ایران طلاق دادن حق مرد دانسته شده و مرد می‌تواند هر وقت بخواهد زن خود را طلاق دهد؛ اما در سال‌های اخیر دادن وکالت طلاق به زنان از جانب مرد امری شایع شده است. به گفته یکی از قضات مشارکت‌کننده:

«قانون وکالت طلاق برای زنان در شهر اهواز بسیار رواج یافته و با کوچک‌ترین مسئله‌ای که در زندگی مشترک به وجود می‌آید زنان برای طلاق اقدام می‌کنند و چون مرد از قبل این حق را به زن داده اگرچه در بسیاری از موارد ما تلاش می‌کنیم که طلاق اتفاق نیافتد اما در خیلی از موارد هم زنان با داشتن وکالت طلاق کار خودشان را انجام می‌دهند».

یکی دیگر از پتانسیل‌های قانونی حکم رشد است. این قانون به معنای صدور حکمی برای افراد محجور و غیر رشید است برای دستیابی به اموال خود و اداره آن. قضات مشارکت‌کننده به این نوع قانون و افزایش صدور آن از سوی قضات اشاره کرده‌اند و آن را زمینه‌ای برای تسهیل طلاق تلقی کرده‌اند. به گفته یکی از قضات مشارکت‌کننده:

«با صدور این حکم بسیاری از زنان حتی در سنین پایین از قیمومیت شوهر بیرون می‌آیند و می‌توانند مدعی مال شوند. حال این مال می‌تواند اموال منزل باشد و یا مهریه و ... حال در صورت بروز اختلاف در خانواده به راحتی زن می‌تواند چنین درخواستی را بکند و متعاقباً به طلاق منجر شود».

وام ازدواج نوعی کمک مالی است که دولت با هدف حمایت از ازدواج، به زوجینی در اولین ازدواجشان پرداخت می‌کند و در اقساط بلندمدت و درصد پایین سود آن را بازپرداخت می‌کنند.

در سال‌های اخیر به دلیل سیاست‌های تشویق ازدواج و فرزندآوری از سوی دولت، مبلغ این وام از ۵۰ میلیون به ۷۰ و ۱۰۰ میلیون رسیده است. گاهی با توافق طرفین هم ازدواج و هم طلاق عامدانه و برای دریافت وام اتفاق می‌افتد. مسلماً این نوع ازدواج/ طلاق در سال‌های اخیر ظهور کرده است و احتمالاً افزایش نیز بیابد. طلاق‌های مذکور از جمله موارد مشهودی است که در شهر اهواز به چشم می‌خورد.

در ایران تعیین مهریه از ارکان اصلی ازدواج به شمار می‌رود. یکی از دلایل دیگر برای طلاق که باز هم به پتانسیل قانونی طلاق مربوط می‌شود درخواست برای مهریه و نفقه از طرف زن است. این موضوع در بسیاری از موارد با مقاومت مرد مواجه می‌شود و کار به دادگاه می‌کشد. حتی در صورت موافقت مرد با پرداخت مهریه، طلاق متعاقب آن را شرط قرار می‌دهد؛ یعنی پس از پرداخت مهریه دیگر زندگی مشترک معنایی ندارد. این موضوع در بسیاری از مصاحبه‌هایی که با قضات انجام شده است بیان شده است. در بسیاری از موارد این نوع طلاق به شکلی توافقی انجام می‌شود. برای نمونه یکی از قضات مشارکت‌کننده به این نکته اشاره می‌کند که:

«پرونده‌ای داشتیم که یک خانم در یک سال سه بار ازدواج کردند و طلاق گرفتند. فقط برای گرفتن مهریه.»

از طرف دیگر هم در بسیاری از ازدواج‌ها خصوصاً در بین قوم عرب در شهر اهواز مهریه‌ها با رقمی اندک توافق و ثبت می‌شود که این امر می‌تواند به دلیل اعتقادات و یا اعتماد دوجانبه بین طرفین باشد. یکی از خانم‌های مشارکت‌کننده در این باره می‌گوید که:

«مهریه‌ام فقط ۵ میلیون تومن هست.»

یکی از قاضی‌های مشارکت‌کننده در این باره می‌گوید:

«در شهر اهواز مهریه به خصوص در بین قوم عرب بسیار پایین است، برخی طوایف فقط پول نقد را به‌عنوان مهریه می‌پذیرند و خیلی هم مبلغش ناچیز است. مثلاً در حدود ۳۰ میلیون تومان، تازه الان بهتر شده تا دو یا سه سال قبل فقط ۵ میلیون به‌عنوان مهریه طلب می‌کردند.»

همین امر به هنگام بروز اختلاف بین زن و شوهر تسهیل‌گر طلاق است، زیرا شوهر به لحاظ مالی در پرداخت مهریه خودش را خیلی تحت فشار نمی‌بیند و به راحتی یا به صورت اقساط مهریه اندک را پرداخت می‌کند. از سوی دیگر کم بودن مبلغ مهریه برای زن هم تسهیل‌گر است چرا که در صورت درخواست طلاق می‌داند این مبلغ اندک را شوهرش به راحتی پرداخت می‌کند و به خاطر این عامل کار طلاق به تعویق نمی‌افتد یا شوهر مخالفت نمی‌کند.

۵-۲-۲- عملکرد ضعیف نهادهای حامی خانواده

در جریان وقوع یک طلاق عادی، پس از درخواست طلاق و طی مراحل اولیه‌ی اداری، زوجین به برخی نهادهای دیگر همچون شورای حل اختلاف و مراکز مشاوره ارجاع داده می‌شوند. طبق یافته‌های این پژوهش، مراکز مذکور عملکرد مثبتی ندارند و خود آنان در عدم پیشگیری از طلاق نقش آفرینی می‌کنند. این بخش عملکرد ضعیف شوراهای حل اختلاف و عملکرد ضعیف مراکز مشاوره را در بر می‌گیرد.

یکی از قاضی‌های مشارکت‌کننده در این باره می‌گوید:

«شوراهای حل اختلاف عملکرد ضعیفی دارند. آن‌ها کار لازم را در میانجی‌گری اختلافات انجام نمی‌دهند و سریعاً آن را به دادگاه و قاضی ارجاع می‌دهند. قاضی هم در بسیاری از موارد در پی عملکرد آنها و نتایج جلساتشان عمل می‌کند.»

یکی دیگر از قاضی‌های مشارکت‌کنندگان در این باره می‌گوید:

«اگر شوراهای حل اختلاف خوب عمل کنند و مسئله را ریشه‌یابی کنند مسلماً می‌توانند از برخی طلاق‌های پیشگیری کنند و این همه پرونده به دادگاه نیاید.»

بنابراین، طبق یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که عملکرد نهاد شورای حل اختلاف در افزایش آمارهای وقوع طلاق بی‌تأثیر نیست.

مراکز مشاوره هم از جمله نهادهایی است که زوجین متقاضی طلاق را به آنها ارجاع می‌دهند تا از سوی متخصصان مشاوره خانواده مورد مشاوره قرار بگیرند و مسائل و مشکلات آنان بررسی شود. طبق نظر برخی از مشاوران و قضات، این مراکز آن‌گونه که باید عمل نمی‌کنند. در مواردی ممکن است مشاوره‌های آنان به تکمیل فرم‌های اداری مشاوره‌ای، پرسش از چرایی تقاضای طلاق و نهایتاً دادن فرصتی برای حل اختلافات ختم شود. البته این به معنای نادیده گرفتن موفقیت‌های آنان نیست؛ اما طبق یافته‌های پژوهش ضعف عملکرد این نهاد در عدم پیشگیری از طلاق نقش تعیین‌کننده‌ای دارد چرا که همان‌گونه که مشارکت‌کنندگان اذعان نموده‌اند «مشاوره کافی به آنان ارائه نمی‌شود». اما نباید این نکته را نیز از نظر دور داشت که اگر نهاد مشاوره موفق نیست شاید از ناکارآمدی آنها نباشد بلکه ناشی از این باشد که زوجین مراجعه‌کننده به آنجا از خیلی قبل‌تر تصمیم خودشان را برای جدایی گرفته‌اند و لذا مشاوره طبیعتاً نمی‌تواند تأثیرگذار باشد.

۵-۲-۳- پتانسیل‌های نهادی

منظور از پتانسیل‌های نهادی آن دسته از شرایط و بسترهایی است که در برخی نهادهای قانونی وجود دارد و بیشتر معطوف به ازدواج و ثبت آن است. این مورد با آنچه درباره نهادهای شورای حل اختلاف و مراکز مشاوره عنوان شد متفاوت است و بیشتر به ظرفیت‌های قانونی که در سازمان ثبت‌احوال وجود دارد اشاره دارد. در بسیاری از موارد در استان خوزستان به‌ویژه در مناطقی که ساختار اجتماعی عشیره‌ای در آن قوی است عقد شرعی اتفاق می‌افتد اما ثبت صورت نگرفته است و ثبت عقد و ازدواج را به پس از آن موکول می‌کنند. در مواردی بسیاری این امر با تأخیر انجام می‌گیرد و یا حتی تا زمان طلاق هم ثبت نمی‌گردد و آن نیز بعدها مشکل را دو چندان می‌کند. یکی از قضاات مشارکت‌کننده به این نکته اشاره می‌کند که:

«از یک سو نهاد دین اجازه عقد شرعی را می‌دهد و دختر و پسر می‌توانند شرعاً به عقد یکدیگر درآیند. از سوی دیگر قانون و نهاد ثبت‌اسناد و احوال به‌ویژه در مورد ازدواج کودکان زیر ۱۳ سال، اجازه ثبت را نمی‌دهد. همین وضعیت در بلندمدت می‌تواند در زندگی زناشویی ایجاد اختلال کند».

عدم ثبت ازدواج با ثبت پس از ازدواج تفاوت دارد. در اینجا ازدواج بین زن و مرد بالغی اتفاق می‌افتد اما در بسیاری از موارد مرد مانع ثبت‌نام زن در شناسنامه‌اش می‌شوند. در چندین مورد از مصاحبه‌هایی که با افراد متقاضی طلاق صورت گرفته است چنین وضعیتی مشاهده شده است. به گفته یکی از مشارکت‌کنندگان زن متقاضی طلاق:

«ما ازدواج کردیم اما اسم من در شناسنامه شوهرم ثبت نشد و همین باعث شد شوهرم خیلی راحت من رو رها کنه و بره الانم برای گرفتن حق و حقوقم اول دنبال اینم که اسمم رو توی شناسنامه شوهرم ثبت کنم بعد اقدام کنم برای طلاق».

طلاق توافقی هم از جمله مهم‌ترین مواردی است که سبب بالا رفتن آمار طلاق در شهر اهواز شده است. طبق قانون زن و شوهر می‌توانند بر سر مهریه و دارایی‌هایشان به توافق برسند و از یکدیگر جدا شوند بدون آنکه نیازی به طی فرایند طولانی طلاق عادی باشد. در این میان گروهی از وکلا تسهیلگران طلاق توافقی هستند. روند قانونی آن را بدون آنکه زن و شوهر درگیر شوند به اتمام می‌رسانند. در حقیقت از پتانسیلی که در قانون مدنی وجود دارد استفاده می‌شود تا هر چه زودتر طلاق اتفاق بیفتد. شاید بتوان گفت که معذورات زوجین و خانواده‌های آنان برای حضور در دادگستری و عوارض آن، در کنار سود مادی چشم‌گیری (به‌ویژه در مهریه‌های بالا)

که برای وکلا می‌تواند داشته باشد از جمله عوامل و زمینه‌های قانونی افزایش آمار طلاق در شهر اهواز است. طلاق توافقی فرصت و امکان پیشگیری از طلاق را به صفر می‌رساند. این نوع طلاق از جمله طلاق‌های رایج در استان خوزستان است.

۵-۳- زمینه‌های فرهنگی طلاق

این محور فرهنگی شامل چندین مقوله فرهنگ پرهیز از مشاوره، فرهنگ فراگیر ازدواج، خواسته‌های اجتماعی و اقتصادی زنان و خشونت در بین اعضای خانواده است.

هنوز در فرهنگ عمومی و در میان خانواده‌های اهوازی مشاوره جایگاه واقعی خود را پیدا نکرده است. به عبارتی دیگر، افراد جامعه برای رفع مشکلات فردی و خانوادگی خود یا چیزی از مشاوره نمی‌دانند و یا اگر هم بدانند احساس نیاز نمی‌کنند یا ناپسند می‌دانند. به گفته یکی از کارشناسان مرکز مشاوره مشارکت‌کننده در این پژوهش:

«این امر بیشتر درباره مشاوره به معنای مدرن آن صدق می‌کند یعنی رجوع به فردی متخصص در حوزه خانواده یا روابط فردی. وگرنه بدون شک، مشاوره به معنای سنتی آن، یعنی مشورت با ریش‌سفیدان و گیس‌سفیدان در جامعه که در خوزستان وجود دارد».

افراد در حادترین مشکلات خانوادگی خود، از جمله روابط با همسر و یا فرزندان، تمایلی به مراجعه به مشاور ندارند. از نظر یکی از قضات مشارکت‌کننده در این پژوهش:

«بی‌میلی به مشاوره یکی از پدیده‌هایی است که باعث می‌شود مشکلات کوچک درون خانواده به مشکلی بزرگ تبدیل شود و نهایتاً طلاق را در پی داشته باشد».

از طرفی هم زوجین در مشاوره‌ها مشکلات اصلی خود را بیان نمی‌کنند یا اینکه به طور کامل بیان نمی‌کنند و به اصطلاح یکی از مشاوران مشارکت‌کننده:

«از بیان مشکلاتشان طفره می‌روند. آنان به نوعی درصدد ختم هر چه زودتر جلسات مشاوره و اتمام فرایند طلاق هستند».

یکی از مشارکت‌کنندگان خانم در این باره می‌گوید:

«مشاوره کاری بی‌فایده است و کار از کار گذشته است و مشاوره توفیری به حال ما ندارد».

و به همین جهت لزومی در بیان واقعیات روابطشان نمی‌بینند.

۵-۳-۱- تقدس ازدواج در فرهنگ عمومی خوزستان

در فرهنگ جوامع ساکن در ایران به‌طور کلی و فرهنگ عمومی استان خوزستان به‌طور خاص، ازدواج امری پسندیده قلمداد می‌شود. این پسندیدگی تا جایی است که گاه وقوع آن به هر قیمتی باید اتفاق بیفتد. در فرهنگ عمومی، پدر و مادر شوهر دادن دختر را تقریباً اصلی‌ترین وظیفه خودشان می‌دانند. این سخن معروف که توسط یکی از مشارکت‌کنندگان زن اظهار شد قابل تأمل است:

«در فرهنگ ما بیوه‌زن بودن بهتر از دختر موندن هست.»

این مقوله خود شامل چند خرده مقوله‌ی ازدواج اجباری، فامیلی، زودهنگام، تأکید زیاد بر ازدواج، ازدواج مجدد، مهم نبودن تفاوت سنی زوجین است که در مصاحبه‌هایی که با قاضی‌ها، مشاورین و متقاضیان طلاق انجام شد، به آنها اشاره شد. اینکه دختری به اجبار خانواده یا شرایط، با مردی ازدواج کند که یا شناختی از وی ندارد یا علاقه‌ای به وی ندارد مسلماً در درازمدت می‌تواند منشأ جدایی آنان از یکدیگر باشد. ازدواج‌های اجباری در سنین پایین دختران و پسران بر اساس نظر مشارکت‌کنندگان معمولاً در بافت عشیره‌ای خانواده‌ها و گاه در نتیجه فشارهای اقتصادی خانواده‌ها اتفاق می‌افتد. یکی از مشارکت‌کنندگان زن در این باره می‌گوید:

«اولین ازدوایم با مردی بود که ۴۰ سال سن داشته و خودم ۱۵ سال. بعد از چند ماه

هم طلاق گرفتم.»

نظر خبرگان مشارکت‌کننده در این پژوهش نیز تأکیدی بر این عامل است. آنها بر این باورند که فاصله سنی زیاد زن و شوهر از یکدیگر فاصله علایق و خواسته‌ها و رفتارها را به دنبال دارد و در مواردی باعث دل‌زدگی زن از زندگی می‌شود. در مواردی نیز این شکل از ازدواج ناتوانی و دل‌زدگی مرد از برآوردن انتظارات زن کم سن و سال‌تر از خود را در پی دارد. این مقوله از یک‌سو پایه در فرهنگ جامعه دارد که همواره تأکید می‌شود زن به لحاظ سنی از مرد کوچک‌تر باشد. از سوی دیگر متأثر از تمایل مردان به ازدواج با خانم‌های کم سن و سال است. دلیل آن هر چه باشد مطمئناً دلیلی فرهنگی و اجتماعی است. حتی اگر برخی از دلایل ظاهراً منطقی برسند اما هیچ‌گاه توجیه‌کننده‌ی تفاوت‌های سنی بسیار زیاد بالای ۱۰ سال نخواهند بود. یکی از قاضی‌های مشارکت‌کننده در این باره می‌گوید:

«از زن مراجعه‌کننده برای طلاق سؤال کردم چرا با این شخص با این شرایط که کر و لال هست ازدواج کردی که الان برای طلاق مراجعه کنی، در پاسخ گفت به اصرار پدر و مادرم ازدواج کردم».

قاضی مشارکت‌کننده دیگری می‌گوید:

«اینجا جو عشایری هست. وقتی فردی را به عنوان همسر زن انتخاب می‌کنند دیگه زن اختیار عمل نداره وقتی پسری دختری را می‌پسندد دختر خیلی نمی‌تونه کاری بکنه. دختری داشتیم که پدر نداشت و عمو و پدر بزرگش براش شوهر انتخاب کردند و به اجبار شوهرش دادند که بعد از مدتی هم برای طلاق مراجعه کرد».

۵-۳-۲- خواسته‌های اجتماعی و اقتصادی زنان

مشارکت زنان در نیروی کار حداقل برای نیم قرن در تمام اقتصادهای صنعتی رو به افزایش بوده است. در همین مدت، نرخ انحلال زناشویی نیز افزایش یافته است. در پاسخ به این روند، ناظران اجتماعی به طور فزاینده‌ای به تأثیرات استقلال اجتماعی و اقتصادی زنان بر طلاق علاقه‌مند شده‌اند (Vignoli & et al, 2018: 1059).

در مصاحبه‌هایی که با افراد خبره از جمله قاضی‌ها و مشاورین انجام شد این خواسته‌ها را می‌توان به دو دسته استقلال مالی زنان و میل زنان به آزادی‌های اجتماعی تقسیم کرد. در طول سال‌ها، زنان به دلیل توسعه شغلی و تحصیلی و افزایش فرصت‌های دست‌یابی به مشاغل مختلف به استقلال رسیده‌اند. این امر بر ظرفیت درآمد زنان تأثیرگذار است و به ویژه ممکن است با وجود سایر مسائل و مشکلات، استقلال مالی زنان به صورت هم‌افزایی خود را نشان داده و زنان تقاضای طلاق کنند. یکی از مشارکت‌کنندگان زن در این باره می‌گوید:

«صرفاً به این دلیل که چاره‌ای جز ازدواج نداشتیم، بدون داشتن درآمد و فرصت‌هایی برای مستقل بودن از نظر مالی از همسر خودم تا الان ازدواجم رو ادامه دادم».

استقلال مالی زن ممکن است شرایط را برای عدم پیروی از مرد در جامعه سنتی کنونی خوزستان فراهم آورد. طبق نظر خبرگان مشارکت‌کننده تمایل زنان به استقلال مالی و کار در بیرون از خانه از جمله شرایط مهیاگر طلاق در شهر اهواز است؛ اما علاوه بر این، در شرایط بروز اختلاف و در وضعیت وابستگی شدید مالی زن به مرد و شاید در شرایطی که مرد خرجی نمی‌دهد یا به امورات و نیازهای مالی زن به خوبی رسیدگی نمی‌کند این احتمال وجود دارد که زن مهریه

خود را مطالبه کند. این اقدام مشخصه‌ی روشن تمایل به استقلال مالی با توسل به پتانسیل‌های مالی و قانونی زن در ازدواج است.

در جامعه‌ی سنتی، وجود یک سری آزادی‌ها برای زنان ممکن است برای خانواده مشکل‌آفرین باشد. شیوع ارزش‌ها و هنجارهای مدرن در جامعه و اشاعه‌ی آن به دورترین نقاط و در کنار آن فضای مجازی در دسترس برای همه، شرایط را برای روی آوردن به برخی کنش‌های اجتماعی برای زنان فراهم کرده است که ممکن است با هنجارها و ارزش‌های سفت و سخت خانوادگی سنتی و عشیره‌ای ناسازگار باشد. این موارد می‌تواند از پوشش تا حضور در اماکن عمومی و تعاملات را شامل شود. بروز چنین شرایطی مردان خوزستانی را ممکن است به واکنش کنترل‌کننده و از سوی دیگر زنان را به مقاومت وادار کند. اگر چنین امری در خانواده و بین زن و شوهر اتفاق بیفتد می‌تواند به طلاق منتهی شود. افراد مطلع مشارکت‌کننده در این مطالعه بر این امر بسیار تأکید داشته‌اند. از سوی دیگر، در مصاحبه‌ها شاهد مردان در آستانه‌ی طلاقی بودیم که به گفته‌ی خودشان:

«برای زنشان چیزی کم نگذاشته‌اند، از سفر، از خرید، از تفریح، از خرجی و ... اما خانمم

اشباع شده. طلاق می‌خواد. برای چی نمی‌دانم.»

این گونه موارد را با احتیاط می‌توان در بستر همین تمایلات با آزادی‌های اجتماعی تلقی کرد.

۵-۳-۳- خشونت بین اعضای خانواده

منظور از خشونت آن دسته از رفتارها، گفتارها، واژگان و باورهایی است که آزار دیگری را در پی دارد و بی‌توجهی به زن، کتک زدن، توهین و دشنام و بی‌احترامی به زن و فرزند از جمله این موارد است. بر اساس یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها این مقوله شامل: خشونت و آزار جسمانی، خشونت و آزار کلامی، بی‌توجهی به همسر می‌شود.

ضرب و شتم از جمله مواردی است که در مصاحبه‌ها به آن اشاره شده است. هم زنان در آستانه‌ی طلاق و هم قضات و مشاورین همگی بر این نکته اشاره کرده‌اند که خشونت بین اعضای خانواده می‌تواند از جمله علل طلاق باشد. برخی از زنان مشارکت‌کننده در پژوهش بیان می‌کردند که شوهرانشان بارها آنان را کتک زده‌اند. یکی از مشارکت‌کنندگان زن ۳۶ ساله در این باره می‌گوید:

«الان ۱۴ یا ۱۵ سال از ازدواج ما می‌گذره هر روز من رو کتک میزنه، پارسال دندهامو رو

شکست، پزشکی قانونی هم محکومش کرد، بعد ریش سفیدها و بزرگ‌ترها وساطت کردن،

دوباره برگشتم به زندگی اما بدتر شد، حتی دخترمون رو هم زد و من به پلیس زنگ زدم.»

۵-۳-۴- مسائل ساختاری جامعه

در رابطه با عوامل تعیین کننده‌ی طلاق، زمینه‌ها و شرایطی وجود دارند که از بیرون بر خانواده و روابط زوجین تأثیر می‌گذارند. برای مثال بیکاری گسترده یا اعتیاد امروزه به صورت مسئله‌ای فراگیر در جامعه تبدیل شده‌اند و نمی‌توان آنها را صرفاً بر گردن فرد انداخت. از سوی دیگر برخی مشکلات نیز هستند که امروزه نه فقط در خانواده بلکه در سطح جامعه نیز رایج است و صد البته آنچه به درون نهاد خانواده وارد شده است متأثر از شرایط کلان اجتماعی است. ما مشکلات ساختاری مذکور را که برگرفته از متن مصاحبه‌ها هستند در دو زیرگروه آسیب‌های کلان اجتماعی و آسیب‌های درون خانواده دسته‌بندی کرده‌ایم.

به نظر می‌رسد رفتارهای پرخطر مانند سیگار کشیدن و مصرف مواد مخدر به شدت با خطرات بالاتر طلاق برای هر دو جنس مرتبط هستند. در مصاحبه‌هایی که با زنان در آستانه‌ی طلاق، قضات و مشاورین انجام شده اکیداً به این موضوع اشاره شده است که «اعتیاد شوهر از جمله عوامل درخواست طلاق از سوی زنان است».

درخواست طلاق از یک سو برای رهایی از مشکلات زندگی گاهی خشونت‌بار با شوهر معتاد است و از سوی دیگر برای رهایی از مشکلات مالی و بلا تکلیفی خانواده انجام می‌گیرد؛ بنابراین در شهر اهواز اعتیاد از جهات مختلف برانگیزاننده‌ی طلاق است.

۵-۴- زمینه‌های اقتصادی طلاق

یکی از زمینه‌های بسیار مهم طلاق در شهر اهواز، همچون دیگر جوامع، می‌تواند اقتصادی باشد. قوی‌ترین بعد اقتصادی طلاق ممکن است از بعد ضعف مالی و فقر نشئت بگیرد؛ اما در بسیاری از موارد طلاق به دلیل قابلیت‌های مالی‌اش اتفاق می‌افتد. طبق یافته‌های این پژوهش می‌توانیم زمینه‌های اقتصادی طلاق را در ذیل پنج مقوله عدم استقلال مرد پس از ازدواج، کمبود امکانات خانواده و ضعف درآمدی، بیکاری، تورم اقتصادی و ندادن خرجی قرار دهیم.

تورم روزافزون اقتصادی در سطح جامعه به نسبت‌های متفاوت اقشار مختلف را تحت تأثیر قرار داده است. فشار اقتصادی مذکور برای اقشار پایین جامعه به مراتب بیشتر است. در مصاحبه با نخبگان به این نتیجه رسیدیم که بخشی از عوامل ریشه‌ای طلاق مشکلات اقتصادی کلان جامعه است. اینکه فشار گرانی و تورم مرد خانواده را از تأمین نیازهای خانواده ناتوان می‌سازد. همین امر اعتراض همسر و فرزندان و نهایتاً اختلافات خانوادگی را به دنبال دارد. در شرایطی که ممکن است فرهنگ چشم و هم چشمی زنان را وا دارد شوهران خود را برای تأمین برخی نیازها

تحت فشار قرار دهند، اختلافات خانوادگی افزایش می‌یابد. به قول یکی از قضات مشارکت‌کننده، «مرد زورش به خرج و مخارج منزل نمی‌رسد، تحت فشاره».

بنابراین طبق یافته‌های این پژوهش، در شرایط اقتصادی شهر اهواز، فشار اقتصادی بر خانوار از جمله بسترهایی است که باعث اختلاف در زندگی زناشویی و گاهی طلاق می‌شود. یکی دیگر از مهم‌ترین زمینه‌های شکل‌گیری طلاق در شهر اهواز، بیکاری مرد خانواده است. اگر چه این امر صرفاً به ویژگی‌های فردی اشاره ندارد بلکه مشکلی ساختاری در کل جامعه است و ناشی از نبود شغل است. بیکاری، کمبود یا فقدان درآمد را با خود به همراه دارد و این امر روند اداره خانواده را با مشکل مواجه می‌سازد و در مواردی آسیب‌های دیگری همچون اعتیاد و خشونت را در خانواده به دنبال خواهد داشت. زنان زیادی دلیل طلاق خود را بیکاری شوهرشان عنوان کرده‌اند. در بسیاری از مصاحبه‌هایی که با زنان در آستانه‌ی طلاق انجام شد آنان عدم استقلال مالی شوهرشان پس از ازدواج را به عنوان یکی از موارد زمینه‌ساز طلاق عنوان می‌کردند. از منظر آنها همین امر سبب وابستگی شوهر به خانواده‌ی پدری و عدم فعالیت جهت کسب درآمد شده بود. این وابستگی اصولاً فقط اقتصادی نیست و احتمالاً پیامدهای وابستگی‌های عاطفی و سنتی نیز دارد. یکی از زنان مشارکت‌کننده در آستانه طلاق در این باره می‌گوید:

«شوهرم اصولاً اهل کار نبود و به خانواده پدرش وابسته بود و این برای من خیلی سخت بود چون همش احساس می‌کردم سربار خانواده شوهرم هستیم»

یکی از قضات مشارکت‌کننده در این باره می‌گوید:

«بیکاری مرد و کمبود درآمد تا ی جایی برای زن قابل تحمل است و بالاخره صدای زن را در میاره».

چنین وابستگی‌ای اجازه‌ی تأمین بهینه امکانات خانواده و فرزندان را نمی‌دهد و از سوی دیگر به لحاظ روانی و اجتماعی نیز برای خود زن سرافکندگی به همراه دارد.

۵-۵- زمینه‌های تعاملی بین خانوادگی

تعاملات بین خانوادگی یکی از مهم‌ترین بسترهای زمینه‌ساز طلاق در شهر اهواز است. منظور از تعاملات بین خانوادگی آن دسته از روابط و تعاملاتی است که میان خانواده‌ی اصلی و خانواده‌ی پدری زوجین اتفاق می‌افتد. این تعاملات در بسیاری از موارد می‌تواند آسیب‌زا باشد. محور مذکور را می‌توان در دو حوزه تداخل سکونت‌ی خانواده‌ها و مداخله در زندگی خانوادگی دسته‌بندی کرد.

گاهی دو خانواده به لحاظ سکونتی در یک مکان یا دو مکان بسیار نزدیک به هم زندگی می‌کنند که تعاملات آنها را متراکم‌تر می‌کند. این مقوله شامل دو حالت اسکان مشترک با خانواده‌ی پدری و روابط سنتی خانوادگی می‌شود.

گاهی اوقات هم الگوهای به جای مانده از خانواده‌ی گسترده در گذشته است و تا حدودی جنبه‌ی اقتدار و خانواده‌دوستی شوهر را نشان می‌دهد؛ اما این موضوع همیشه به خوبی پیش نمی‌رود و در بسیاری از موارد اختلافاتی را به وجود می‌آورد. در چندین مورد از مصاحبه‌ها زنان زمینه‌ی اصلی بروز اختلافات خود با شوهر و خانواده‌ی او را در همین اسکان مشترک می‌دیدند چرا که خودبه‌خود درگیری‌های کلامی و تعاملی به وجود می‌آورد. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره می‌گوید:

«دو سال اول زندگی مون خانه مستقل اجاره‌ای داشتیم. زندگی مون خوب بود. به خاطر اجاره بالا و درآمد کم شوهرم، به خونه پدر شوهرم نقل مکان کردیم. دو سال با آنها تو ی خونه کوچک زندگی کردم. از همان ابتدا مشکلات شروع شد.»

این اسکان مشترک گاه ناشی از ناتوانی اقتصادی شوهر است و وابستگی مالی شوهر به خانواده‌ی پدری را در پی دارد و گاه ناشی از باور سنتی نگهداری از پدر و مادر و یا جدا نشدن پسر از والدین پس از ازدواج است. در میان گروه‌هایی از جامعه‌ی خوزستان بدون شک چنین باورهایی رایج است.

۵-۶- ضعف زمینه‌های شناختی/مهارتی

موضوع شناخت و مهارت‌های رفتاری، در هر مرحله‌ای از زندگی افراد به‌ویژه در روابط اجتماعی‌شان مطرح است. بحث بر سر مهارت شناختی و عملی افراد در تصمیم‌گیری‌ها، واکنش‌ها، مدیریت بحران‌های بین فردی و ... است. این مضمون به این نکته اشاره دارد که طبق این مطالعه در برخی موارد طلاق در شهر اهواز، ناشی از ضعف زمینه‌های شناختی و مهارت‌های رفتاری است. این مضمون خود شامل دو مقوله‌ی اصلی ضعف در شناخت شرایط، ضعف در مهارت‌های زندگی است. در مواردی از مصاحبه‌ها زن‌ها به این نکته اشاره کرده‌اند که:

«خانواده‌شان را نمی‌شناختیم»، «خیلی تحقیق نکردیم»، «فرصت نشد تحقیق کنیم»، «از فامیل‌ها بود و دلیلی برای تحقیق ندیدیم اما برعکس درآمد».

تمامی این موارد نشان می‌دهد که مهارت تحقیق برای شناخت در این زمینه بسیار اندک است. خود درک لزوم این امر، نشانه‌ای از مهارت‌های شناختی افراد برای تصمیم‌گیری است.

یکی از زنان مشارکت‌کننده عنوان کرد که

«خام بودم و نمی‌دانستم خوب و بد چی هست»، یا اینکه «بچه بودم و الفبای ازدواج و انتخاب را نمی‌دانستم». خبرگان مشارکت‌کننده هم بر این نکته تأکید داشتند که «بسیاری از این‌ها نمی‌دانند معیار انتخاب همسر چی هست. بیشتر بر اساس ظاهر و پول و ثروت عمل می‌کنند».

منظور از مهارت‌های زندگی نیز آن دسته از مهارت‌های رفتاری به‌ویژه کلامی است که افراد در تعاملات روزمره‌ی خود لازم دارند. بدون شک این مهارت‌ها می‌تواند شامل هرگونه رفتاری باشد اما رفتارهایی که معطوف به دیگران است را بیشتر شامل می‌شود. این مهارت‌ها و ضعف آنها را در این پژوهش ما در پنج دسته دروغ و عدم صداقت، ناتوانی در کنترل خشم، ضعف ارتباط بین فردی، ناتوانی در ابراز محبت، ناتوانی در ابراز انتظارات مقوله‌بندی کرده‌ایم. یکی از زنان مشارکت‌کنندگان در این باره می‌گوید:

«سریع عصبانی می‌شد، به بهانه‌ای واهی من و بچه‌ها را کتک می‌زد ... یک بار دنده‌هام شکست. شکایت کردم. خانواده‌اش همه چیز را انکار کردند».

اینکه این عصبانیت‌ها ریشه‌اش در ناتوانی و عدم مهارت فرد در کنترل خشم است یا تاکتیکی است برای سرکوب اعتراضات زن و فرزندان، مشخص نیست، اما آنچه مشخص است که این عدم مهارت بسیار مسئله‌ساز بوده و هست. عواقب آن نه صرفاً در همسر آزاری بلکه در فرزند آزاری هم نمود پیدا کرده است. همچنین در زمینه ضعف مهارت‌های زندگی یکی از قضات مشارکت‌کننده می‌گوید:

«نباید مسائل خصوصی زوجین را نادیده گرفت. ناتوانی زن و شوهر در مسائل جنسی، به‌ویژه از سوی مردان، از جمله مسائل پنهانی است که مسائل آشکار دیگری را به دنبال خودش خواهد داشت».

۷-۵- فضای مجازی و تشدید تعارضات خانوادگی

یکی از مهم‌ترین مضامین استخراج‌شده فضای مجازی و نقش اثرگذار آن بر طلاق است. فضای مجازی از یک‌سو تأثیراتی منفی بر روابط زناشویی دارد و از سوی دیگر خود عامل ازدواج‌هایی است که در بسیاری از موارد منجر به طلاق می‌شود. در اینجا منظور از فضای مجازی به معنای عام آن و به‌طور خاص شبکه‌های اجتماعی از جمله تلگرام، واتساپ و اینستاگرام ... است. این شبکه‌ها امکان ارتباطات گسترده را برای هر کاربری از جمله زن یا شوهر فراهم می‌کنند. این

مضمون شامل یک مقوله‌ی عمده با عنوان بسترسازی منفی فضای مجازی برای وقوع طلاق است. این مقوله شامل سه خرده مقوله عدم کنترل خانواده بر فضای مجازی، شیوع خیانت برخاسته از فضای مجازی و افزایش انتظارات است.

یکی از مشاورین مشارکت‌کننده در این پژوهش در این باره می‌گوید:

«فضای مجازی به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی به اشکال مستقیم و غیرمستقیم زمینه‌ساز طلاق هستن. شکل مستقیم این است که زمینه‌ساز برقراری ارتباطاتی خارج از روابط زناشویی برای زن یا مرد می‌شود و باعث خیانت یکی از آنان به دیگری می‌شود و شکل غیرمستقیم این است که با زمینه‌سازی شکل‌گیری ازدواج زود هنگام و سطحی، در آینده‌ای نه چندان دور باعث طلاق می‌شود».

طبق گفته یکی از خبرگان مشارکت‌کننده در این پژوهش، در سال گذشته، یعنی سال ۱۴۰۰، «تعداد ۶۳۳ مورد پرونده‌ی خیانت داشته‌ایم.» اساساً به واسطه‌ی شبکه‌های اجتماعی مجازی، امر خیانت و ارتباط خارج از ازدواج و خانواده آسان‌تر شده است. این امر گاه مستقیماً باعث جدایی و طلاق می‌شود و گاه به‌طور غیرمستقیم، یعنی با ازدواج مجدد مرد با خانمی دیگر، متعاقباً موجب درخواست طلاق زن اول، یا اقدام شوهر به طلاق می‌شود.

در این پژوهش نیز شمار زیادی از مشارکت‌کنندگان به این امر اشاره کرده‌اند که در فضای موجود حقیقتاً توقعات و انتظارات بالا رفته و گاهی شوهر به لحاظ مالی یا زن به لحاظ رفتاری قادر به برآورده کردن آن نیست، یا اصولاً در چهارچوب باورها و اخلاقیات وی نمی‌گنجد، لذا می‌تواند زمینه‌ساز اختلافات منجر به طلاق شوند.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف کاوش فرآیند افزایش ناپایداری‌ها و طلاق در خانواده‌های شهر اهواز انجام گرفت. در این مسیر، با استفاده از روش کیفی و تحلیل مضمون طرح تحقیق پیکربندی شد و یافته‌های پژوهش در قالب مفاهیم اولیه، مقولات فرعی و مقولات اصلی ارائه شد. نتایج مطالعه نشان داد که طلاق پدیده‌ای چندوجهی است. این ادعا را در تمامی مطالب ارائه‌شده توسط مصاحبه‌شوندگان مشاهده کردیم. با توجه به بستر اجتماعی موجود در جامعه‌ی خوزستان و شهر اهواز که ازدواج زود هنگام و تشویق به فرزندآوری سریع را در خود نهادینه کرده است باید گفت که افرادی که در سنین کم ازدواج می‌کنند، در برخورد با مشکلات و مسائل زناشویی تجربه اجتماعی لازم را ندارند.

فقدان یا کمبود تجربه اجتماعی در برخورد با مسائل و مشکلات زندگی زناشویی، طلاق را به عنوان راه حلی سریع و مناسب برای حل مسائل و مشکلات زناشویی در برابر افراد قرار می‌دهد. درباره سن ازدواج و وقوع طلاق می‌توان این گزاره را مطرح کرد که ازدواج در سنین پایین به واسطه دامنه فرصت کمتر، فقدان یا کمبود منابع اقتصادی و اجتماعی و فقدان یا کمبود تجربه اجتماعی احتمال وقوع طلاق را افزایش می‌دهد. نتایج پژوهش‌های داخلی (Arab Khorasani, 2018 & Ghiasvand؛ فریسی و همکاران ۱۳۹۳؛ ملتفت و همکاران ۱۴۰۲) و پژوهش‌های خارجی (Rehim & et al, 2020)، از جهت ضعف مهارت‌های زندگی، ازدواج زودهنگام، اجباری، ازدواج فامیلی و تفاوت سنی زیاد بین زوجین، از جهت فرایند افزایش تقاضا برای طلاق با یافته‌های این پژوهش همسو است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد کسانی که زود ازدواج می‌کنند فاقد آشنایی با نقش‌های زناشویی هستند و این عدم آگاهی منجر به عدم شکل‌گیری صمیمیت و در نتیجه بی‌ثباتی زناشویی می‌شود (lampard, 2013).

با توجه به صحبت‌های مشارکت‌کنندگان تفاوت‌های طبیعی و عدم رشد اجتماعی کافی زمینه‌ساز ناپایداری خانواده‌ها، وابستگی به خانواده و دخالت آنها در امور زندگی زوج‌های جوان، عدم درک از زندگی زناشویی، تغییر شکل شیوه همسرگزینی، زندگی‌های متأثر از فضای مجازی باعث افزایش ناپایداری در خانواده و اقدام به طلاق توسط آنها شده است. این یافته نیز همسو با نتایج پژوهش قلی‌زاده و همکاران (۱۳۹۴) و فولادیان و شجاعی‌قلعه‌نی (۱۳۹۹) است. همچنین پژوهش (Vingoli & et al, 2018) که بر نقش اشتغال زنان بر طلاق دست‌یافته بودند با یافته‌های این پژوهش همسو است. همچنین مطالعه قدیمی‌تر (Ogawa & Ermisch, 1994) که افزایش میزان طلاق در ژاپن را ناشی از سرعت افزایش اشتغال زنان می‌دانست با نتایج این مطالعه همسو است. بر اساس صحبت‌های مشارکت‌کنندگان زن در پژوهش حاضر، به نظر می‌رسد بسیاری از زنان صرفاً به این دلیل که چاره‌ای جز ازدواج نداشتند تن به ازدواج داده و به خاطر نداشتن درآمد و فرصت استقلال اقتصادی به زندگی زناشویی خود ادامه داده‌اند و به محض شاغل شدن و کسب درآمد به سمت تقاضا برای طلاق حرکت کردند. همچنین پژوهش (Ressler & Waters, 2000) که بر پرهیز زوجین از طلاق برای در امان ماندن از کمبود درآمد دست یافتند با نتایج این مطالعه همسو است. نتایج مطالعه (Finnas, 2000) نشان داد که در فنلاند افزایش سطح درآمد شوهر خطر طلاق را کاهش می‌دهد، در حالی که این روند در رابطه با درآمد زن برعکس بود. این یافته با نتایج مطالعه حاضر که بسیاری از مشارکت‌کنندگان علت مراجعه خود برای طلاق را

کمبود امکانات خانواده و ضعف درآمدی، عدم استقلال مالی مرد پس از ازدواج، بیکاری و تورم اقتصادی مطرح کردند، همسو است.

در یک جمع‌بندی باید گفت همان‌طور که بر اساس نتایج مطالعه حاضر طلاق به یک علت اتفاق نمی‌افتد و پدیده‌ای چندوجهی است، ارائه هر گونه راهکار برای پیشگیری و کاستن از طلاق نیز باید ابعاد مختلف را مورد توجه قرار دهد؛ و در مواردی نیازمند تلاش‌های بلندمدت و در مواردی نیازمند راهکارهای کوتاه‌مدت و در برخی موارد هم نیازمند کار نهادی و قانونی است.

پیشنهاد‌های پژوهش

بر اساس نتایج مطالعه حاضر راهکارهای زیر برای پیشگیری و کاستن از طلاق پیشنهاد می‌گردد:

- مجازات ازدواج غیرقانونی خارجی‌ها با زنان ایرانی: همان‌گونه که در مباحث فوق مشاهده شد ازدواج غیرقانونی خارجی‌ها با دختران در شهر اهواز از جمله عواملی است که متعاقباً منجر به طلاق می‌شود؛ بنابراین اتخاذ راهکارهای قانونی برای مجازات این افراد و یا ممانعت از این ازدواج‌ها می‌تواند پیشاپیش از طلاق پیشگیری کند.

- ج: آموزش مهارت‌های اساسی زندگی قبل از ازدواج: این آموزش‌ها باید از دوران کودکی و نوجوانی اتفاق بیفتد. مهارت‌هایی همچون شیوه‌های تصمیم‌گیری، کنترل خشم، احترام، عدم خشونت، برقراری ارتباط، ابراز محبت، آموزش این مهارت‌ها مسلماً مکانیزم‌های لازم برای ارتقای روابط را فراهم می‌آورد.

- آموزش مهارت‌های زندگی متأهلی: مسلماً آموزش مهارت‌های اساسی زندگی می‌تواند زمینه‌ساز مهارت‌هایی در زندگی متأهلی باشد؛ اما خود زندگی متأهلی با توجه به شرایطی که دارد مهارت‌های خاص خود را می‌طلبد. در این بخش امر مشاوره‌های قبل از ازدواج بسیار تأثیرگذار است به‌ویژه مشاوره‌های گروهی، قضات و مشاورین مشارکت‌کننده در این پژوهش بسیار با دوره‌های مشاوره قبل از ازدواج و نیز مشاوره دوران درخواست طلاق تأکید داشتند. به‌طور کلی مهارت‌های این بخش را می‌توان این‌گونه دسته‌بندی کرد: آموزش مهارت اعتمادسازی، مشاوره‌های پیش از ازدواج، آموزش مهارت‌های ارتباطی در زندگی متأهلی، آموزش شیوه‌های شفاف‌سازی روابط در زندگی متأهلی، آموزش مهارت جستجو و پرسیدن، آموزش احترام به زنان، آموزش مهارت کنترل خشم در زندگی خانوادگی.
- نظارت بر مشاوره‌ها: مشاوره‌هایی که قبل از ازدواج و یا در زمان درخواست طلاق برای زوجین گذاشته می‌شود باید کارایی لازم را داشته باشند، یعنی اثرگذار باشد. مسلماً مشاوره‌های قبل از ازدواج بسیار بیشتر از مشاوره‌های آستانه طلاق کارایی و اثربخشی دارند.

منابع

- ◀ بنی‌هاشمی، فریبا سادات، علی‌مندگاری، ملیحه، کاظمی پور، شهلا و غلامی فشارکی، محمد (۱۳۹۸) بررسی عوامل جمعیت‌شناختی، اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر طلاق در ایران در سال ۱۳۹۵، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۱۴ (۲۸)، ۴۳-۷.
- ◀ حیدری، حامد، کیمیایی، سید علی، خوئی نژاد، غلامرضا و مشهدی، علی (۱۳۹۸) کشف عوامل مؤثر بر طلاق در ازدواج‌های زود هنگام: یک مطالعه کیفی نظام‌مند، مجله تحقیقات علوم رفتاری، ۱۷ (۲)، ۲۵-۴۷.
- ◀ خیام، عباسی، و قلی پور، میترا (۱۳۹۸)، بررسی جامعه‌شناختی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر بروز طلاق عاطفی (مطالعه مورد: شهرستان مسجدسلیمان در سال ۱۳۹۶)، مجله زن و مطالعات خانواده ۱۲ (۳)، ۱۷-۳۴.
- ◀ ریتزر، جورج (۱۳۸۰) نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی، چاپ پنجم.
- ◀ سالنامه آماری کشور (۱۴۰۰-۱۳۸۵) به نشانی اینترنتی: <https://www.sabteahval.ir/avej/default.aspx?tabid>
- ◀ فاتحی دهاقانی، ابوالقاسم و نظری، علی محمد (۱۳۹۰) تحلیل روان‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش زوجین به طلاق در استان اصفهان، مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۲۵، ۵۴-۱۳.
- ◀ فولادیان، مجید و شجاعی قلعه نی، مینا (۱۳۹۹). مطالعه جامعه‌شناختی فرایندهای وقوع طلاق. خانواده پژوهی، ۱۶ (۶۲)، ۲۳۱-۲۵۷. SID: <https://sid.ir/paper/379725/fa>.
- ◀ فیروزجائیان، علی اصغر، صادقی، سهیل، جان محمدی لرگانی، وحید و طاهره لطفی (۱۳۹۷) فرا تحلیل مطالعات انجام‌شده در حوزه طلاق در ایران، مطالعات زن و خانواده، ۱۴۳-۱۱۱.
- ◀ قاسمی، علیرضا، و ساروخانی، باقر (۱۳۹۲) عوامل مرتبط با طلاق در زوجین متقاضی طلاق توافقی (شهرستان کرمانشاه)، مطالعات علوم اجتماعی ایران، ۱۰ (۳۹)، ۸۷-۶۹.
- ◀ قریشی، فردین، شیرمحمدی، داود و آوات، برجوند (۱۳۹۳) فهم عوامل طلاق از منظر مردان و زنان در معرض طلاق و طلاق گرفته مطالعه موردی شهر سقز، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، ۳ (۱)، ۳۰-۱۹.
- ◀ محمد پور، احمد و رضائی، مهدی (۱۳۸۷) درک معنایی پیامدهای ورود نوسازی به منطقه اورامان کردستان ایران به شیوه پژوهش زمینه‌ای، مجله جامعه‌شناسی، ایران، ۹ (۲۰۱)، ۱۱-۸.
- ◀ هنریان، مسعود، و یونسی، سید جلال (۱۳۹۰). بررسی علل طلاق در دادگاه‌های خانواده تهران. فصلنامه مطالعات روانشناسی بالینی، ۳ (۱)، ۴۸-۱۶.

◀ کرد زنگنه، جعفر و قاسمی اردهابی، علی (۱۴۰۲) پیامدهای طلاق برای زنان مطلقه با تأکید بر تفاوت‌های اجتماعی-جمعیتی مرتبط با آن: مطالعه‌ای در شهر اهواز، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران ۱۸، (۳۵)، ۳۹۲-۳۶۳.

- ▶ Afrasiabi, H. & Dehaghani Daramroud, R. (2017). Constructions of Mate Selection Mistakes Among Divorce Applicant Women. *Journal of Divorce & Remarriage*, 59(2), 92–107. <https://doi.org/10.1080/10502556.2017.1375333>
- ▶ Amato, P. R. (2000). The consequences of divorce for adults and children. *Journal of Marriage and Family*, 62(4), 1269-1287.
- ▶ Al-Badayna, D. & Al-Qutaitat, M. (2018). Problems and pressures facing divorced women before entering Jordan. *The Arab Journal of Social and Human Sciences*, 10(4), 463–488.
- ▶ Al-Khataybeh, Y. D. (2013). The problems of Jordanian family in the north of Jordan in the light of social variables: A case study. *Journal of Educational & Psychological Sciences University of Bahrain*, 14(1), 129–154. <http://dx.doi.org/10.12785/JEPS/140105>
- ▶ Al-Khataybeh, Y. D. (2022). The Consequences of Divorce on Women: An Exploratory Study of Divorced Women Problems in Jordan, *Journal of Divorce & Remarriage*, DOI: 10.1080/10502556.2022.2046396
- ▶ Arab Khorasani, S. & Ghiasvand, A. (2018). Women's decision to divorce in light of failure in marital status and dignity. *Journal of Divorce & Remarriage*, 59(6), 486–500. <https://doi.org/10.1080/10502556.2017.1403822>.
- ▶ Arif, M. & Abid Rashid Gill. (2023). Socio-Economic Determinants of Urbanization in the Perspective of Pakistan. *Pakistan Journal of Humanities and Social Sciences*, 11(1), 710–717. <https://doi.org/10.52131/pjhs.2023.1101.0387>
- ▶ Bradbury, T. N., & Karney, B. R. (2010). Intimate relationships. W. W. Norton & Company.
- ▶ Dhebyan, N. (2009). *Divorce and marriage problems*. Dar Rslan for publishing and distribution.
- ▶ Ermisch, J. F. 1986. The economics of the family: Applications to divorce and remarriage". In *Centre for Economic Policy Research Discussion Paper*: 140, Not Available.

- Damkier, S. A. & Ozer, S. (2022). Social Identity and Well-being: A Cross-Cultural Examination of Social Identity and Well-being in Light of the Accelerating Cultural Globalisation. *Psychology and Developing Societies*, 34(1), 125–145. <https://doi.org/10.1177/09713336221080640>
- Doherty, W. J. Kalantar, S. M. & Tarsafi, M. (2020). Divorce Ambivalence and Reasons for Divorce in Iran. *Family Process*, 60(1), 159–168. <https://doi.org/10.1111/famp.12539>
- Finnas, F. 2000. Ekonomiska faktorer och aktenskaplig stabilitet i finland. Economic determinants of divorce in Finland (with English summary). *Ekonomiska Samfundets Tidskrift* , 53 (2): 121 – 31.
- Fu, H. and Goldman, N. 2000. The association between health-related behaviors and the risk of divorce in the USA. *Journal of Biosocial Science* , 32 (1): 63 – 88.
- Harris, S. M. Fenske, S. R. Baer, S. Dick, M. Katovich, J. Osterbauer, M. Allen, S. & Roberts, K. R. (2022). The Impact of Identity on Divorce Decision-Making: A Grounded Theory Study. *Journal of Divorce & Remarriage*, 63(6), 464–481. <https://doi.org/10.1080/10502556.2022.2144094>.
- Hill, R. (1949). *Families under Stress: Adjustment to the Crises of War Separation and Reunion*. Harper.
- Hoem, J. M. 1997. Educational gradients in divorce risks in Sweden in recent decades. *Population Studies* , 51 (1): 19 – 27.
- Kandemir, O. (2022). The Impact of Economic Indicators on Education Level of Women in Developing Countries. *Kastamonu Eğitim Dergisi*, 30(4), 820–830. <https://doi.org/10.24106/kefdergi.1195586>.
- Lampard R. 2013 (Age at marriage and the risk of divorce in England and Wales. *Demographic Research*. 1;29:167 -202.
- Levinger, G. (1965). Marital cohesiveness and dissolution: An integrative review. *Journal of Marriage and the Family*, 27(1), 19-28.
- Lincoln, Y. S. & Guba, E. G. (1985). *Naturalistic Inquiry*. Beverly Hills, CA: Sage Publications, Inc.

- ▶ Mazur, A. and Booth, A.)1998(. Testosterone and dominance in men. *Behavioral and Brain Sciences* , 21 (3): 353 – 397.
- ▶ Ogawa, N. and Ermisch, J. F.)1994(. Women’s career development and divorce risk in Japan. *Labor* , 8 (2): 193 – 219.
- ▶ Pasley, K., Kerpelman, J. and Guilbert, D. E.)2002(. Gendered conflict, identity disruption, and marital instability expanding Gottmans’ model. *Journal of Social & Personal Relationships* , 18 (1): 5 – 27.
- ▶ Poortman, A. R. and Kalmijn, M.)2002(. Women’s labor market position and divorce in the Netherlands: Evaluating economic interpretations of the work effect. *European Journal of Population* , 18 (2): 175 – 202.
- ▶ Rehim, M. Alshamsi, W. & Kaba, A. (2020). Perceptions of divorcees towards factors leading to divorce in UAE. *Journal of Divorce & Remarriage*, 61(2), 582–592. <https://doi.org/10.1080/10502556.2020.1824205>.
- ▶ Ressler, R. W. and Waters, M. S.)2000(. Female earnings and the divorce rate: A simultaneous equations model. *Applied Economics* , 32 (14): 1889 – 98.
- ▶ Sadeghi, R. & Agadjanian, V. (2019). Attitude and Propensity to Divorce in Iran: Structural and Ideational Determinants. *Journal of Divorce & Remarriage*, 60(6), 479–500. <https://doi.org/10.1080/10502556.2019.1586228>
- ▶ Safizadeh M & Nakhaee N.)2016(. “Causes of Increasing Trend of Divorce in Iranian Community: What Do the Experts Think? *Journal of family medicine*, 3(4): 1064.
- ▶ Sayer, L. C. and Bianchi, S. M.)2000(. Women’s economic independence and the probability of divorce: A review and reexamination. *Journal of Family Issues* , 21 (7): 906 – 43
- ▶ Sharma, B. (2011). Mental and emotional impact of divorce on women. *Journal of the Indian Academy of Applied Psychology*, 37(1), 125–131. <https://www.academia.edu/download/43050280/04baa9ea-e389-4be2-a7a8-715c19f77bd0.pdf#page=127>
- ▶ Sheykhi, M. T. (2020). World Perspective of Divorce in Selected Countries: A Sociological Appraisal. *World Family Medicine Journal/Middle East Journal of Family Medicine*, 18(6), 66–70. <https://doi.org/10.5742/mewfm.2020.93823>

- ▶ Vignoli, D. Styr, M. Matysiak, A. & Tocchioni, Valentina (2018). "The positive impact of women's employment on divorce: Context", selection, or anticipation? *Demographic Research: Vol1110* 1058- ,38 .
- ▶ Williams, K., & Umberson, D. (2004). Marital status, marital transitions, and health: A gendered life course perspective. *Journal of Health and Social Behavior*, 45(1), 81-98.
- ▶ Zeng, Y., Schultz, T. P., & Wang, D. (1992). An event history analysis of divorce in China (Discussion Paper No. 675). *Yale University Economic Growth Center*.